بررسی ۱۷ خطای رایج درباره آزادی و حجاب- بخش دوم و پایانی

بی‌پرده با حجاب

■ سعید ابراهیمی* ■

۶- حجاب مسؤولیتی مشترک بین زنان و مردان

سهم افراد جامعه در مسأله حجاب به صورت دقیق مشخص و بیان نمی‌شود. آیا برای برقراری روابط سالم و ایجاد مصونیت در جامعه فقط زنان مسؤولیت دارند؟ آیا مردان جامعه در سالم‌سازی روابط جامعه سهمی و نقشی ندارند؟ در نگاه قرآنی و اسلامی به مساله حجاب، وظایف و مسؤولیت‌های سالم‌سازی روابط انسانی بین مرد و زن تقسیم شده که در این تقسیم اتفاقا ابتدا مردان جامعه مورد خطاب قرار گرفته‌اند.[۱] تحلیل و بررسی حجاب بدون توجه به مسؤولیت‌های مردان جامعه یک تحلیل ناقص و گاهی منحرف‌کننده است. دایره بحث حجاب نه‌تنها محدود به یک چادر نمی‌شود، بلکه از رفتارهای درونی زن نیز فراتر رفته و شامل رفتار مردان جامعه نیز می‌شود[۲] لذا از لحاظ جامعه‌شناسی برای شناخت ریشه‌های یک ناهنجاری باید تمام جوانب را شناسایی کرده و افراد و نقش‌های دخیل در ناهنجاری را تعیین کرده و سهم هر یک را مشخص کرد. در بحث حجاب نقش محوری با زن است ولی اهمیت نقش مرد نیز ویژه و چشمگیر است. سهم بیشتر محتویات آش، سبزی و نخود است ولی نقش نمک قابل چشم‌پوشی نیست، لذا اهمیت دادن به نقش مرد هرگز به معنی خالی کردن نقش زن نیست، چرا که گذاشتن نمکدان در سفره هرگز به معنای نریختن سبزی و نخود در آش نیست.

۷- رفع محرومیت‌های جنسی مقدم بر ترویج حجاب

نگاه مستقل به مقوله حجاب موجب خطا در تحلیل و ارائه راهکارهای غیرمفید است. آنچنانکه پیش‌تر بیان شد مقصود اصلی حجاب، ایجاد مصونیت، سالم‌سازی روابط اجتماعی و ارتقای سطح روابط انسانی است.این درحالی است که سالم‌سازی روابط اجتماعی و ایجاد مصونیت برای جنس زن هرگز مستقلا برعهده حجاب نبوده و اصلا حجاب به تنهایی قابلیت و توانایی سالم‌سازی روابط اجتماعی را ندارد، بلکه حجاب یک مکمل بوده و در کنار عامل مهم دیگری توانایی اثرگذاری را خواهد داشت. در جامعه‌ای که اکثریت با افراد جوان بوده و سن ازدواج بالا رفته باشد، در چنین جامعه‌ای اثرگذاری واقعی حجاب چقدر خواهد بود؟ در جامعه‌ای که ارضای نیاز جنسی در بین اقشار آن در حالت متعادل قرار ندارد و در واقع آرام‌بخشی نیاز جنسی در حالت عادی قرار ندارد، یقینا حجاب هم نخواهد توانست کارآیی واقعی خود را داشته باشد. برای کسی که از محرومیت جنسی رنج می‌برد، تحریک‌پذیری در حد اندام بدن نبوده و فراتر از آن خواهد بود. اجراشدن حجاب و سالم‌سازی روابط اجتماعی اگرچه نقشی مشترک بین مرد و زن است ولی این نقش در کنار ایجاد تعادل در غریزه جنسی کارآیی دارد.[۳] تسهیل امر ازدواج در بین جوانان در واقع کمک به حجاب و سالم‌سازی روابط انسانی است. حجاب ابزاری است که در کنار تسهیل ازدواج باید به آن پرداخت، در حقیقت نبود ازدواج در جامعه و بدتر از آن رواج طلاق در جامعه تخریب بنیادین حجاب است و آن را از اثرگذاری خواهد انداخت. علت و ریشه اثرگذار نبودن این همه توصیه به حجاب در تریبون‌ها و رسانه‌های مختلف، در عدم رواج ازدواج نهفته است. حجاب ساختمانی است که بر پایه ارضای مناسب غریزه جنسی بنا نهاده شده است. تا زمانی که زمینه ازدواج تسهیل نشود و ازدواج آسان رواج نداشته باشد، تبلیغ حجاب آب در هاون کوبیدن خواهد بود. حجاب در جامعه‌ای که نیروی جنسی در محرومیت باشد، تنها پوششی برای نهادهای فرهنگی جامعه است. حاکمیت همانطور که برای پوشش مردم برنامه‌ریزی می‌کند باید بیشتر از آن برای تسهیل ازدواج برنامه‌ریزی کند.

۸- سطح انتظارات جامعه از زن، علت اساسی بی‌حجابی در جامعه

خطای رایج دیگر درباره مساله حجاب، عدم علت‌یابی و ریشه‌یابی بی‌حجابی در جامعه است. برخی کارشناسان، تهاجم فرهنگی یا ماهواره را علت می‌دانند ولی نویسنده مقاله معتقد است رفتار ناهنجار زنان درباره حجاب تاثیر چندانی از ماهواره و تهاجم فرهنگی ندارد، بلکه در جامعه ایرانی انتظارات جامعه از جنس زن یک انتظارات دست‌چندمی و سطح پایین است. نقشی که جامعه ایرانی برای یک زن ترسیم می‌کند یک نقش سطحی است. در واقع زنان نقشی را که جامعه ایرانی برای آنها تعیین کرده‌است ایفا می‌کنند. همین رفتار روزمره زنان در کوچه و بازار دقیقا اجرای نقش تحمیل شده جامعه برای زنان است. وجود فروشگاه‌های متعدد لوازم آرایشی، بوتیک‌ها و لباس‌فروشی‌های فراوان در شهرهای ایران به روشنی بیان می‌کند جامعه انتظاری بیش از این از زن ندارد. ریشه بی‌حجابی را نه در بیرون مرزها که در درون ایران باید جست‌وجو کرد. امروز هم در برخورد با تهاجم فرهنگی به این نکته اصلا توجهی نمی‌شود. در چنین جامعه‌ای باید به زنان جایزه داد که می‌توانند نقش خود را به نحو احسن ایفا کنند. نقش ابزاری به جنس زن اگرچه بی‌تاثیر از فرهنگ غرب نبوده ولی سهم بیشتر این وضعیت به سطح فهم و شعور جامعه ایرانی بازمی‌گردد؛ جامعه‌ای که بر اثر فرهنگ مردسالاری انتظاری بیش از وضع موجود را از زن نداشته است. اگر بخواهیم توازن فضای عرضه و تقاضا را ترسیم کنیم تقاضایی که جامعه ایرانی از جنس زن دارد یک تقاضای ابزاری و موقت است و عرضه زنان در این فضا دقیقا متناسب با این تقاضا شکل گرفته است. در به‌وجود آمدن این مدل از عرضه و تقاضا، زنان نیز سهم ویژه‌ای داشته‌اند. دوری گزیدن و کناره‌گیری از فعالیت‌های اجتماعی زنان، علاوه بر مردسالاری مردان به کوته‌فکری و اندک‌نظری زنان نیز وابسته بود. زمانی که نهضت سوادآموزی راه افتاد زمینه حضور زنان توسط انقلاب اسلامی فراهم شد ولی باز هم خود زنان از حضور مستمر سر باز زدند که این خودداری از حضور دقیقا به مسأله عرضه و تقاضا مربوط می‌شود. وقتی تقاضایی و انتظاری از زنان جامعه در عرصه فعالیت‌های ذهنی و اجتماعی وجود ندارد، طبیعتا زنان نیز از عرضه خود در این عرصه‌ها خودداری به عمل خواهند آورد، لذا نگاه ابزاری به زن بیشتر از آنکه متاثر از آزادی غربی باشد، تحت تاثیر فرهنگ جامعه ایرانی بوده و انتظاری بیش از این به‌دنبال جنس زن نبود. جامعه ایرانی زن را منحصر در ظاهرش کرده بود و انتظاری فراتر از بدن و تن زن از او نداشت و نقشی فراتر از این برای او تعیین نکرده بود.

۹- تعارض بین حجاب و حس زیبایی‌دوستی انسان

خطای دیگری که درباره حجاب رایج شده است، ترسیم یک تعارض ساختگی و عدم پاسخ به این تعارض بین حجاب و حس زیبایی‌دوستی انسان‌هاست. یکی از جدال‌هایی که غالب دختران ایرانی با آن روبه‌رو هستند، قرار گرفتن بر سر دوراهی حریم خصوصی و زیبایی است. غالب افراد جامعه نسبت به وجود حریم خصوصی و اختصاصی بودن اعضای بدن اتفاق نظر دارند و نسبت به تماس‌های دیگران با بدن آنها واکنش نشان داده و بی‌تفاوت نیستند ولی مشکل از اینجا شروع می‌شود که انسان ذاتا زیبایی را دوست دارد و مایل است تا حد توان از زیبایی برخوردار باشد[۴] و تحسین زیبایی خود را در چشمان دیگران ببیند. دقیقا از همین‌جا پارادوکس و تناقض خصوصی‌سازی اندام‌های بدن و حس‌زیبایی‌دوستی انسان‌ها رخ می‌دهد؛ از یک سو برای بدن خود حریم قائلند و از سوی دیگر حس زیبایی‌دوستی و جلوه‌گری زنان بر بدن آنها نیز سایه می‌اندازد. اسلام نه با زیبایی مخالف است و نه با زیبایی‌دوستی، بلکه حس تحسین زیبایی را برمی‌انگیزد. از نظر اسلام یک انسان سالم باید نسبت به وجود زیبایی حساس باشد و واکنش نشان دهد ولی آنچه اسلام بدان معتقد است مهار کردن و رها نگذاشتن این زیبایی‌دوستی است. تمام حرف اسلام درباره ابراز و اظهار زیبایی، معطوف به محدوده آن است. ابراز و اظهار زیبایی و برانگیختن تحسین دیگری باید در محدوده‌ای انجام شود که از سوءاستفاده در امان بوده و بهره‌گیری از این زیبایی به نفع زن تمام شود نه اینکه زن در ظاهر، تحسین‌برانگیز شود ولی در باطن سودجویان و طمع‌کاران از این زیبایی لذت ببرند. اسلام در همین اظهار زیبایی هم به‌دنبال کرامت و عزت‌نفس است و هرگز راضی نمی‌شود زیبایی‌های زنان در مقابل چشم‌های گرسنه نامحرمان قرار بگیرد. چشم‌هایی که هرگز از خیانت و سوءاستفاده در امان نیستند. اتفاقات و حوادث تلخی که در خاطر برخی دختران این سرزمین بوده و در اطراف‌مان اتفاق می‌افتد، مؤید این مطلب است، لذا اسلام این تناقض را حل کرده و آن را به یک محدوده امن و در منظر فرد امین جایز می‌داند. در مقابل دیدگان همسری که شریک زندگی او نیز هست. بویژه این مدل از جلوه‌گری در مقابل چشمان همسر و در محیطی امن، برای زنانی که بر اثر فشار هنجاری جامعه، چادر را انتخاب کرده‌اند بسیار ضروری است. چنین افرادی باید چند برابر افراد غیرچادری در درون خانه خود از جلوه‌گری و به نمایش‌گذاری زیبایی‌های خود بهره‌مند شوند. زنانی که بر اثر فشار هنجاری، حجاب خود را رعایت می‌کنند، به‌خاطر عدم تامین حس‌جلوه‌گری، مبتلا به عقده و حسرت‌های درونی می‌شوند لذا محیط خانه باید برای چنین بانوانی طوری فراهم شود تا بتوانند تمام این خواسته‌های درونی خود را تخلیه کنند.

۱۰- محدودیت مفهوم آزادی در تمام مکاتب

تصور وجود آزادی مطلق و بی‌حد و حصر در غرب، سبب ناقص شدن شناخت از حجاب است. واضح شدن این نکته ضروری است که لُختی و داشتن حریم شخصی در همین غرب هم تعریف دارد.[۵] نگاه غرب نسبت به بدن انسان‌ها با نگاه اسلام متفاوت است، لذا غرب تنها نقاط محدودی از بدن زن را به عنوان حریم شخصی تلقی می‌کند و به زن اجازه می‌دهد آنها را بپوشاند. در کنار دریا اجازه پوشش بیش از این محدوده‌ها را نمی‌دهند و غالب مردم هم پوششی کمتر از این را انتخاب نمی‌کنند و خواستارند نقاطی از بدن خود را از نگاه دیگران مخفی کنند. آزادی مطلق در هیچ کجای دنیا وجود ندارد، اگرنه صنعت قفل‌سازی، درسازی، پرده‌بافی، شیشه‌های جیوه‌ای و... . هیچ پیشرفتی نمی‌کرد و از موضوعیت می‌افتاد. پس آزادی‌غربی هم برای خود حریمی تعریف کرده است. هر چند این حریم با محدوده اسلامی متفاوت است ولی در اصل تعیین حریم برای اشخاص، غرب و اسلام مشترکند و اختلاف فقط در محدوده حرمت‌ها و حریم‌هاست. آزادی غربی هم مطلق نبوده و فهم از آن نیز نباید با اشتباه همراه شود. محدوده آزادی غربی را نیز همانطور که هست باید درک کرد.

■ **خطا در راهکارها و عملکردهای ترویج حجاب**

۱۱- تدریجی بودن اجرای احکام حجاب

خطای رایج دیگری که درباره حجاب مطرح است، عجله کردن و بی‌حوصلگی در ترویج حجاب است. معارف دینی و تمامیت دین دارای یک پروسه بوده و حتما باید به صورت تدریجی[۶] طی شود. طبیعت دین بر تدریج است[۷] و دفعتا معرفتی را ایجاد نکرده و برای معارف لحظه‌ای ارزش چندانی قائل نیست. اساسا انسان تربیت را تدریجی می‌پذیرد چون باثبات بوده و عمیق است. حجاب نیز یک مقوله انسانی و دینی است و باید تدریجی طی شود. اسلام یک دین عقلایی و انسانی است، لذا راهکارهای اسلام، رهنمودهایی انسانی نیز هست. ایجاد پوشش یک دفعه‌ای برای زن نمی‌تواند به یک رویه تبدیل شود همچنانکه طرح و تبلیغ مسأله حجاب در صدر اسلام در پروسه چند ساله و ابتدا از درون خانواده پیامبر شروع شد.[۸] حجاب یک روزه، مطابق نظر اسلام و موافق اصل تربیت تدریجی انسان نیست. حجاب، لقمه حاضر و آماده نیست، جعبه میوه نیست که از بازار خریداری شود، بلکه باید بذر حجاب جوانه بزند و ریشه بدواند، باید پای نهال آن زحمت کشید و ریشه‌های تمایل یک انسان به حجاب را پیدا کرد و روی آنها سرمایه‌گذاری کرد. در بسیاری از مواقع به جای متقاعد کردن طرف مقابل، به زور متوسل می‌شوند، از جمله آفت‌های قدرت این است که حوصله اقناع مخاطب را ندارد و ترجیح می‌دهد از قدرت خود بهره بگیرد. در حالی که تربیت یک امر تدریجی و حوصله‌بر است و بهره‌گیری از قدرت، کمترین جایگاه را در تربیت دارد.

۱۲- نخستین راهکار برای نهادینه شدن حجاب در جامعه

اتخاذ تاکتیک‌ها و روش‌های غلط و سطحی، به مسأله حجاب بشدت لطمه می‌زند. توجه نکردن به ریشه مسائل و برخوردهای احساسی و بی‌منطق، خطای متولیان و دلسوزان جامعه است. این در حالی است که اولین و اساسی‌ترین راهکار برای ترویج روحیه صیانتی و تبلیغ حجاب، بالابردن سطح فهم و شعور جامعه است. برخورد انفرادی و مستقیم با مساله حجاب منسوخ شده است و باید با مساله حجاب و سایر هنجارهای دینی به صورت سیستمی برخورد کرد. وقتی ناهنجاری درجامعه فراگیر شده باشد برخورد انفرادی بی‌ثمر است، زیرا بسترها و زمینه‌های ناهنجاری از جامعه برچیده نشده است و فرد هنگام بازگشت به جامعه ناخواسته باردیگر به سمت ناهنجاری کشیده خواهد شد. در چنین جامعه‌ای برخورد انفرادی منجر به کناره‌گیری از جامعه خواهد شد. لذا باید به‌صورت سیستماتیک با حجاب برخورد کرده و زمینه‌ها و خاستگاه‌های بی‌حجابی را از جامعه کنار زد. بستر و خاستگاه مهم بی‌حجابی، در سطح اندیشه و تفکر جامعه نهفته است. اینکه جامعه از زنان انتظاراتی فراتر از زیبایی‌های بدنی داشته باشد و ملاک ارزش‌گذاری جامعه از تن زنان، به ذهن زنان معطوف شود. ارتقای سطح تقاضای جامعه از زنان، سبب می‌شود زنان خود را در معرض چنین فضایی قرار دهند و متناسب با تقاضا و نیازمندی جامعه، خود را تطبیق دهند، برای ترویج حجاب و ایجاد روحیه صیانتی زن‌ها، باید عقلانیت جامعه را ارتقا بخشید و جامعه را به سمتی سوق داد که نگاه ابزاری به زن نداشته باشد و زن را به عنوان یک انسان با یک هویت مستقل و دارای اندیشه‌ای والا ببینند و چنین انتظاری نیز از جنس زن داشته باشد. باید بستر عرضه و مقتضای عرضه را که همانا تقاضاست اصلاح کرد نه اینکه جلوی عرضه را گرفت. کنترل عرضه قابلیت اجرایی نداشته و جامعیت ندارد ولی اصلاح تقاضا سبب می‌شود عرضه به صورت اتوماتیک به سمت تقاضا تغییر جهت داده و عرضه‌های بدون تقاضا روبه زوال حرکت کند. با توجه به اینکه بهره‌گیری جنسی در سطح عمومی جامعه امکان عملی ندارد، لذا بیشتر تقاضاهای موجود در جامعه فقط در حد نگاه باقی می‌ماند و چون نگاه انسان‌ها از نوع تفکر و سطح فهم آنها نشأت می‌گیرد، از این رو می‌توان با ارتقای سطح تفکر مردان جامعه، نگاه آنها را به جنس زن ارتقا داده و یک نگاه حداکثری به آن بخشید و تقاضای جامعه از جنس زن را به یک نوع ارزشمند و متعالی تغییر داد تا قشر زنان از یک سطح والا و گرانبها برخوردار شوند. روش معقول و علمی که می‌توان در ادامه راهکار قبلی و به صورت توأمان، برای ترویج حجاب توصیه کرد، تقویت عزت نفس زنان است. تقویت عزت نفس زنان در جامعه کنونی ما بدون ارتقای سطح فکری جامعه و بدون ارتقای سطح تقاضای جامعه از زنان، یک مسکن و التیام‌آور بوده و اثر درمانی نخواهد گذاشت. عزت نفس زن را باید با تغییر نگاه جامعه به صورت توأم ایجاد کرد. کرامت و عزت نفس درونی زنان لازمه به‌وجود آمدن احساس نیاز به حجاب است. حجاب کرامت‌آور نیست، بلکه کرامت و عزت نفس زنان سبب می‌شود آنها به‌دنبال حجاب بروند و خود را از ابزار شدن در دست دیگران رها کنند. داشتن حجاب، بدون داشتن عزت نفس و کرامت‌درونی، موجب پستی و احساس عقب‌ماندگی زن خواهد داشت. هرچقدر زن در جامعه کنونی عزت نفس داشته باشد و برای خود کرامت و ارزش قائل شود به همان اندازه از برخوردهای وسیله‌ای و ابزاری دیگران فاصله خواهد گرفت. در واقع عفت باید یکی از محصولات و نتایج حجاب باشد؛ نتیجه‌ای که در ضمن ترویج حجاب باید بدان دست یافت. عفت جز در بستر پستی و فرومایگی خدشه‌دار نمی‌شود، لذا برای بیمه کردن عفت جامعه، باید افراد جامعه را با کرامت و عزیز تربیت کرد. تحقیر شخصیت انسان‌ها، خط قرمز تربیت اسلامی است. برای دوری جامعه از بی‌عفتی باید آنها را در بستر کرامت و عزت پرورش داد. همان حلقه مفقوده‌ای که در نظام آموزشی- پرورشی ایران جای خالی آن به وضوح دیده می‌شود. برخورد عاطفی، احساسی و زودگذر با مساله حجاب و پخش چادر و... در جامعه، مثل پخش غذا بین فقراست، در حالی که برخورد منطقی و عقلانی با حجاب، نیازمند برخورد ریشه‌ای است. باید به جای پخش غذا بین فقرا، فقر را ریشه‌کن کرد و به جای پخش چادر، ریشه بی‌حجابی را خشکاند. در ترویج حجاب خطاهای روشی بسیاری مشاهده می‌شود که همگی نشان از سطحی‌نگری متولیان و برخوردهای عوامانه به جای برخوردهای عالمانه و منطقی دارد.

۱۳- ضرورت زمان‌سنجی و مکان‌سنجی در نهادینه کردن حجاب

درگیر کردن افراد بی‌حجاب با مقوله عذاب‌وجدان یک اشتباه رایج در مساله حجاب است. در ابتدای امر دعوت به اسلام هیچ آیه عذابی بر پیامبر نازل نشد. در سال‌های ابتدایی نزول قرآن، صرفا آیات تبیین‌کننده و معرفی‌کننده اسلام نازل شده‌اند. درگیرکردن مخاطب در ابتدای دعوت، با آیات عذاب، از منطق تبلیغی اسلام دور است، در واقع می‌توان گفت ترویج حجاب با چنین سبکی، اسلامی نیست. بویژه برای زنی که برای ورود به قلمرو اسلام معارف لازم را ندارد. به‌وجود آوردن فضای رنج‌آور و تحمیل عذاب وجدان به مخاطب سبب می‌شود پذیرش حجاب به جای تمایل درونی و انتخاب شخصی، بر اثر فشار بیرونی و تحمیل خارجی صورت بگیرد. نباید فراموش کرد دین اسلام به صورت تدریجی تکمیل شده و باید معارف آن نیز به صورت تدریجی و مرحله به مرحله فراداده شود. اختلال در این مراحل یقینا به اصل دین و کیفیت پذیرش دین لطمه خواهد زد. طرح آیات و روایات عذاب هرگز مقتضای این مرحله نبوده و نمی‌تواند مناسب چنین افرادی باشد. عدم آشنایی با فقه‌القرآن و فقه‌الحدیث سبب افتادن در ورطه این اشتباه است. ترسیم فضای عذاب وجدان برای زنان جامعه، آن هم در فضایی که معنایی از ایمان و مفهومی از خدا در ذهن و قلب فرد مورد نظر نقش نبسته است، نتیجه‌ای جز به‌وجود آوردن نیروی دافعه نخواهد داشت. اگر ایمانی هم به‌وجود بیاورد ایمانی سطحی خواهد بود. این ایمان سطحی چون بر اثر فشار بیرونی و نیروی رعب و ترس به‌وجود آمده است، در مراسمات و مکان‌های مذهبی و زمان‌هایی که اصطلاحا درهای رحمت الهی باز می‌شود، جهت تشفی خاطر حضور پیدا خواهد کرد، تا آن عذاب‌وجدان‌ها را راحت کند، البته این فضا در بهترین حالت ممکن است، زیرا در بسیاری از موارد، ترسیم فضای رنج‌آور و عذاب‌بخش برای زنان موجب طرد و فرار آنها از دین و مجموعه دینداران خواهد شد. دعوت به دینداری و رعایت موازین دینداری به این کیفیت، هرگز مورد نظر اسلام نیست.

۱۴- ترویج حجاب، تبلور خیرخواهی و نوع دوستی

عدم خیرخواهی و توجه نکردن به نتیجه نهایی دعوت به حجاب، آفتی بسیار بزرگ برای مسأله حجاب است. کسی که کمترین محبت و علاقه نوع‌دوستانه به مخاطب ندارد، بر چه اساسی به‌دنبال باحجاب شدن او است؟ دعوت به حجاب در غالب موارد باید یک قالب خیرخواهی داشته و در ذیل امر به معروف تعریف شود اما همین امر به معروف نباید در یک فضای سلب تکلیفی برای دعوت‌کننده به حجاب انجام شود. اینطور نباشد که دعوت‌کننده به حجاب فقط برای اینکه تکلیفی از روی دوش او برداشته شود اقدام به این کار کند، بلکه باید از حس نوع‌دوستی و خیرخواهی او صادر شود. امر به معروف و نهی از منکر در تمام صورت‌های خود بویژه درباره حجاب، باید به خودکنترلی و مهار درونی در مخاطب ختم شود. مقصود از امر به معروف و نهی از منکر حفظ ظاهر موضوع و ایجاد روحیه ریاکارانه در مخاطب نیست، بلکه این امر به معروف باید تبدیل به احیای نیروی کنترل درونی در فرد شود. با این توضیح امر به معروف یک وسیله است نه هدف و خلط این مسأله به این فریضه الهی صدمه خواهد زد. اگر امر به معروف ختم به خودکنترلی در مخاطب نشد نوعی انحراف از مقصود آن است و خود مشکلی بزرگ‌تر را بار خواهد آورد.

۱۵- ضرورت حفظ کرامت و عزت انسانی در هنگام نهی از بی‌حجابی

خطای دیگری که در امر ترویج حجاب مطرح است، عزیز شمردن افراد باحجاب و توهین به افراد بی‌حجاب است. در جامعه باید کرامت و شخصیت افراد با حجاب بدون طعنه و توهین به بی‌حجاب‌ها حفظ شود. عزیز شمردن افراد باحجاب هرگز به معنای ذلیل کردن افراد بی‌حجاب نیست، بلکه باید یک حد و محدوده‌ای برای تمام افراد اعم از باحجاب و بی‌حجاب فراهم شود تا همه بتوانند از یک سطح متوازن کرامتی برخوردار شوند ولی بعد از این مرحله، محدوده ویژه‌ای برای باحجاب‌ها تعیین شود که از امتیازهای ویژه‌ای برخوردار شوند. این راهکار فقط برای حفظ وضعیت موجود بوده و از خارج شدن افراد با حجاب از دایره حجاب جلوگیری خواهدکرد، اگرنه این روش اصالتا برای دعوت به حجاب معرفی نشده است، هرچند می‌توان از آن هم بهره گرفت. عزت‌بخشی و رفتار کریمانه با زنان در یک محیط کاری موجب می‌شود زنان هرگز اجازه ندهند شخصیت و حرمت آنها مورد هتک قرار گرفته و لگدکوب شود. شاه‌بیت این روش حفظ کرامت و عزت نفس زنان است. ضدحجاب‌ترین پیام، جمله «از ارائه خدمات به افراد بدحجاب معذوریم» است که بر در تاکسی‌ها و وسایل خدمات عمومی نصب شده است.

۱۶- حجم دعوت‌ها در ترویج حجاب محدود به زنان

یک‌سونگری و اختصاص حجم گسترده تبلیغات به قشر زنان یک اشتباه جبران‌ناپذیر در بحث تبلیغ حجاب است. در قسمت‌های قبلی بیان شد که حجاب موضوعی مختص زنان نیست و مردان نیز در این مسأله سهم ویژه‌ای دارند.[۹] در مسأله حجاب منظور از توجه به مردها در عین نگاه به زنان این است که رویکرد متولیان و تصمیم‌گیران این مساله یک رویکرد یک طرفه و ناقص بوده و با مبانی اسلامی درباره حجاب سازگار نیست. وقتی مسؤولیت حجاب و سالم‌سازی روابط انسانی و ایجاد مصونیت برای زنان، یک مسؤولیت دوطرفی است نباید تمرکز متولیان روی قشر زنان محدود شود. اگر آموزشی قرار است داده شود، اگر توصیه‌ای قرار است مطرح شود، اگر کلاسی قرار است برگزار شود، باید برای هر دوطرف سهیم در بحث حجاب در نظر گرفته‌شود و از برخوردهای سخت و خشن یقینا باید خودداری شود، لذا در مجموعه‌های شغلی و محیط‌های اداری توجه به این نکته حائز اهمیت بسیاری است.

۱۷- نقش دینداران، نقش بنیادین در ترویج حجاب

خطای دیگری که در مساله ترویج حجاب مطرح می‌شود، عدم تعیین نقش و جایگاه برای افراد دیندار است. به استانداردسازی رفتار دینداران توجهی نمی‌شود. رفتار متدینان و افرادی که خودشان حجاب را انتخاب کرده‌اند در مساله حجاب و ترویج آن بسیار مهم است. فرد باحجابی که چندین سال با انتخاب خود در قالب حجاب زندگی می‌کند، به عنوان یک نمونه عملی برای کسی مطرح است که تازه می‌خواهد با حجاب آشنا شود، لذا تمام رفتار فرد باحجاب و جزئی‌ترین کردار او توسط افراد بی‌حجاب مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. کسی که از مسافرت شهری دیگر بازمی‌گردد، تمام خاطرات و گفته‌ها و رفتار او برای کسانی که می‌خواهند به آن شهر سفر کنند، مهم است. اگر مسافر تازه برگشته، نکته‌ای را بیان کند یا رفتاری را نشان دهد که بیان‌کننده عدم رضایت او از این سفر باشد، یقینا بر انجام سفر دیگران به آن شهر اثر منفی خواهد گذاشت، لذا فردی که خود حجاب را برگزیده است، یقینا باید بیشتر از سایرین بر رفتار خود دقت کند و کرداری کاملا استاندارد و دینی بروز دهد تا نمونه‌ای موفق و قابل الگوبرداری شود. متدینان در امر دعوت به دین بویژه دعوت به حجاب نقش ویژه‌ای دارند. رفتار آنها و مدل زندگی آنها، یک بلندگوی بسیار پرصدا برای دعوت دیگران به این سبک از زندگی است. وقتی فرد دیندار با شاخصه‌های دینی در جامعه حاضر شود و نشان دهد در زندگی خود دارای نشاط بوده و رضایت و خوشبختی را در زندگی لمس می‌کند، یقینا بر انتخاب سایرین اثر گذاشته و آنها را راغب به الگوبرداری از این سبک زندگی خواهدکرد. این ارزیابی و دقت در زندگی دینداران، خصلت ذاتی انسان بوده و در تمام جزئیات زندگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. کسی که با روشی مناسب و استاندارد از کوه بالا می‌رود، همه به‌دنبال او راه می‌افتند، چون فرصت آزمون و خطا در عمر انسان بسیار اندک است.

پی‌نوشت

۱- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ(نور- ۳۰) / وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا (نور- ۳۱)

۲- مزینانی، محمدصادق، ج۱۴ ، ص ۶

۳- فقیهی، علی نقی، ص ۱۶

۴- محمدی ری‌شهری، محمد، ص ۲۲

۵- سبحانی، جعفر، ص ۷۱

۶- صادقی تهرانی، محمد، ص ۲۰۶

۷- الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا(مائده – ۳)

۸- حاج عبدالباقی، مریم، ص۶

۹- قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (نور- ۳۰)

*طلبه پایه ۷ حوزه علمیه قم